

## طنز الاهیاتی و اعتراض الاهیاتی<sup>۱</sup>

منبع: سایت دین‌آنلاین، روز شنبه، مورخ: ۹۹/۵/۱۱

پس از انتشار مقاله «الاهیات سینوی، طنز الاهیاتی و معضل شرّ»، سوالات و ملاحظات متعددی دریافت کردم؛ از اینرو بر آن شدم تا جهت ایضاح بیشتر، نوشتاری تکمیلی در این باب به رشته تحریر درآورم.. در سه جستار «می شود به سراغ "خدا" رفت»، «بحران کرونا، مسئله شر و فلسفه اسلامی» و «الاهیات سینوی، طنز الاهیاتی و معضل شرّ»، جهت مواجهه جامع الطراف با مسئله شرّ، سویه منطقی- معرفتی آن از سویه اگزستانسیل تفکیک شده است. عموم الاهیدانان سنتی، برای پرداختن به مسئله، از الاهیات ایجابی متعارف بهره برده اند. افزون بر این، الاهیات تنزیهی مبتنی بر آراء عرفای مسلمان که تلقی تنزیهی- سلبی از ساحت قدسی دارد و خداوند را بی رنگ و بی صورت و فوق مقوله می انگارد؛ به نحو دیگری مسئله شرّ را توضیح داده است.

جهت صورتبندی و تبیین مسئله شرّ، این دو نگاه را کنار نهاده و از موضع الاهیاتی سینوی- مشایی بهره برده ام؛ که به نزد من این موضع، موجه تر است و ارزش معرفتی بیشتری دارد. الاهیات سینوی- مشایی، با فاصله گرفتن از الاهیات ارتدوکس و بدست دادن قرائتی دیگر از قدرت و علم خداوند و قید زدن بر آنها، آنچه می توان از آن به «هزینه الاهیاتی» تعبیر کرد و برکشیدن خدایی که واضع قوانین و قواعد کلی هستی است، رابطه میان رخدادها و خداوند را به نحوی دیگر تبیین می کند. مطابق با این تلقی، خداوند از طریق قوانین صلب و سخت هستی، با جهان پیرامون ارتباط برقرار می کند؛ آنچه از آن تحت عنوان «سنن الاهی» در متن مقدس و سنت دینی یاد شده است.

افزون بر سویه منطقی، در دو جستار «می شود به سراغ خدا رفت» و «الاهیات سینوی، طنز الاهیاتی و معضل شرّ»، با بکار بستن مفهوم «طنز الاهیاتی»، راهکاری روانشناختی- اگزستانسیل در مواجهه با شرور اقامه شده؛ مواجهه ای که پیشینه ای در سنت ایرانی- اسلامی دارد؛ هر چند تحت این عنوان از آن یاد نشده است.

چنانکه در مقاله «الاهیات سینوی، طنز الاهیاتی و معضل شرّ» آمد، مفهوم «طنز»<sup>۲</sup> در این ترکیب، طنین فرویدی دارد و ناظر به یکی از «مکانیسم های دفاعی بالغانه»<sup>۳</sup> است که از ضمیر ناخودآگاه سر بر می آورد و از میزان پریشانی و پاشانی در روان انسان می کاهد. طنز گویی و تسخر زدن در امور پیرامونی، از این دست رفتارها و کنش های بالغانه است.

۱. در نهایی شدن مقاله، از گفتگوی با دوستان عزیزم حسین کاجی و محمد منصور هاشمی، همچنین برادرم حسین دباغ، بهره بردم. از ایشان سپاسگزارم.

۲. humor

۳. mature defense mechanisms

می‌توان این نگاه طنزانه به هستی را از منظر یونگی و با وام کردن مفهوم « کهن الگو»<sup>۱</sup> و چنانکه کارول پیرسون یونگی آورده، «کهن الگوی دلکک» نیز توضیح داد.<sup>۲</sup>

ضمیر ناخودآگاه جمعی<sup>۳</sup> یونگی، مشحون از کهن الگوهایی است که خاطره و حافظه جمعی ما را آکنده است. از منظر یونگ، برای فهم بهتر آنچه در روان ما انسانهای پیرامونی می‌گذرد، بهره بردن از این کهن الگوها نقش فراوانی دارد. کهن الگوی دلکک، به روایت پیرسون یونگی از مواجهه دلکک معنوی با جهان پیرامون و فراتر رفتن از قالب اندیشی و تسخر زدن در امور پیرامونی و جهان و آنچه را در آن می‌گذرد، جدی نگرفتن پرده بر می‌گیرد؛ امری که به بلوغ روانی و شکوفایی باطنی انسان مدد می‌رساند.

گوردون آلپورت، از روانشناسان مشهور قرن بیستمی که چند صباحی تحت تاثیر فروید بود و در ادامه از او فاصله گرفت، در توصیف انسان بالغ و پرورش شخصیت سالم، بر شوخ طبعی و توانایی خندیدن به خود و جهان پیرامون تاکید کرده؛ نگاه طنزانه ای که حکیمانه است و با هزل عاری از ظرافت فاصله دارد.<sup>۴</sup> افزون بر این، طنزی که رواقیونی چون سنکا از آن سخن می‌گفتند و آنرا بر می‌کشیدند، کنشی که می‌توان آنرا «طنز رواقی» انگاشت؛ قرابتی با این مضمون دارد و بر جدی نگرفتن امور این جهانی تاکید می‌کند، که: «حاصل کارگه کون و مکان این همه نیست» و «مستور و مست هر دو از یک قبيله اند» و «ره از صومعه تا دیر مغان این همه نیست» و «پیش زندان رقم سود و زیان این همه نیست». افزون بر سنکا، طنز رواقی و تسخر زدن در امور پیرامونی در نگرش متفکران پسا رنسانسی نظیر مونتینی و دیگر نو رواقیون نیز ریزش کرده است:<sup>۵</sup>

«یقین دارم حرف سنکا درست بود که می‌گفت بهترین راه برای مواجهه با چیزهایی که «اشکمان را در می‌آورد»، خنده است. سنکا می‌گفت آن کس که جلوی خنده اش را نمی‌گیرد حکیم تر از آنی است که جلوی گریه اش را نمی‌گیرد. خنده لطیف ترین احساسات آدمی را بیان می‌کند و گویی هیچ چیز زندگی را آنقدرها جدی و مهم یا حتی مصیبت بار و رنج آور نمی‌داند»<sup>۶</sup>

نگاه طنزانه به جهان پیرامون، اینگونه رقم می‌خورد؛ نگرشی که بسته به موضوع و متعلق آن، انواعی دارد: طنز سیاسی، طنز اجتماعی، طنز رواقی.... بر همین سیاق می‌توان از طنز الاهیاتی سراغ گرفت؛ نگرش طنزانه ای که موضوعش الاهیات است. جهت ایضاح بیشتر مفهوم «طنز الاهیاتی»، به مصداق «تعرف الاشياء باضدادها»، با تفکیک میان «اعتراض الاهیاتی» و «طنز الاهیاتی»، مفاهیمی که ما به الاشتراک و ما به الافتراقی با هم دارند و به تعبیر منطقیون با یکدیگر رابطه «عموم خصوص من وجه» دارند، می‌توان هر یک را بهتر فهمید.

۱. archetype

۵. کارول پیرسون، هیوکی مار، زندگی برازنده من، ترجمه کاوه نیری، تهران، بنیاد فرهنگ زندگی، ۱۳۹۵، صفحه ۱۲۶.

۳. collective unconscious

۴. دوان شولتس، روانشناسی کمال، ترجمه گیتی خوشدل، تهران، ۱۳۹۳، فصل دوم.

۵. جهت آشنایی با نگاه و نگرش مونتینی، نگاه کنید به:

مونتینی، تبعات: همراه با شرح احوال و آثار نویسنده، ترجمه احمد سمیعی، تهران، نیلوفر، ۱۳۸۳.

۶. ویلیام اروین، فلسفه ای برای زندگی: رواقی زیستن در دنیای امروز، ترجمه محمود مقدسی، تهران، نشر گمان، ۱۳۹۳، صفحه ۳۴۰.

اعتراض الاهیاتی، از سنخ شکایت و اعتراض به خداوند است و امری ذو مراتب و طیفی است. برخی از فقرات انجیل که متضمن شکایت مسیح به خداوند از رها شدن و به خود وانهاده شدن است، همچنین آیاتی از قرآن که متضمن اعتراض و خشم یونس پیامبر است، از این دست است:

« بنا بر آنچه در انجیل آمده است، عیسی (ع) را در کنار دو دزد به دار زدند و به صلیب کشیدند. هنگامیکه خون از بدن عیسی (ع) رفته بود و آخرین نفس های خود را می کشید و دقایقی آخر حیات را به سر می برد، ناگهان به صدای بلند گفت: « ایلی ایلی، سبقتنی؟»: خدایا! چرا مرا وانهادی؟ چرا مرا ترک گفتی؟ چرا به من اعتنا نمی کنی؟ ... حتی پیامبر خدا، که به اعتقاد مسیحیان پسر خدا بود و در آن مرتبه بلند نشسته بود، در آخرین لحظات عمرش می گوید: خدایا انتظار من این نبود. رفتار تو اینچنین نبود. تا به حال خودت را اینطور نشان نداده بودی. حالا داری یک پرده دیگر بازی می کنی....»

قرآن (سوره انبیاء، آیات ۸۷-۸۸)، در مورد حضرت یونس (ع) که نام ذالنون یا صاحب الحوت برایش کار رفته، بدون آنکه ذکر کند که یونس بر چه کسی خشم گرفته بود، می گوید یونس (ع) در حالی که خشمگین بود رفت و فکر می کرد که ما بر او قدرت نداریم و نمی توانیم بر او سخت بگیریم. با خدا قهر کرده بود و به حال قهر و خشم رفت. بعد از آن به خود آمد و به خطای خود پی برد.<sup>۱</sup>

آنچه بر زبان عیسی (ع) جاری شد و در احوال یونس پیامبر ریزش کرد، از سنخ اعتراض الاهیاتی است؛ اعتراض و خشمی که مخاطبش خداوند است و متضمن گله و شکایت از جان جهان.

برخی از سخنان عطار از زبان مجانبین در مصیبت نامه که به تعبیر نوید کرمانی در اثر خواندنی وحشت از خدا؛ عطار، ایوب و شورش متافیزیکی، متضمن سرکشی کردن و شورش بر خداست نیز از جنس اعتراض الاهیاتی است.<sup>۲</sup> هلموت ریتز، عطار پژوه برجسته نیز در اثر دریای جان، احوال این مجانبین را به نیکی به تصویر کشیده و روایت کرده است.<sup>۳</sup> از سوی دیگر، «طنز الاهیاتی»، از جنس سرکشی و شورش نیست؛ بلکه از مواجهه ای طنزانه با رنجی حکایت می کند که گریز و گزیری از آن نیست؛ هر چند این رنج های برآمده از شرور پیرامونی، تلخ و تکان دهنده و جانکاه اند و از میان رخت بر نابستنی، اما می توان بدانها تسخر زد و از منظری دیگر در آنها نگرست، که «چشم ها را باید شست، جور دیگر باید دید»؛ منظری که می توان با وام کردن مفهوم طنز، به روایتی که آمد، آنرا تبیین کرد.

افزون بر این، در طنز الاهیاتی که از جمله مفاهیم برساخته اجتماعی<sup>۴</sup> است و در نبود ذات، مولفه ها و مقومات چندی دارد، می توان دو شق را از یکدیگر تفکیک کرد: طنز توام با اعتراض، طنزی که اعتراضی چاشنی آن گشته و طنزی که

۱. عبدالکریم سروش، «مسیح در اسلام»، نشریه آبان، تابستان ۱۳۸۱، نقل از: سروش دباغ، آئین در آئینه: مروری بر آراء دین شناسانه عبدالکریم سروش، تهران، صراط، ۱۳۸۷، چاپ سوم، صفحات ۱۳۴-۱۳۵.

۲. برای آشنایی بیشتر با این اثر محققانه، نگاه کنید به مقاله نیکوی ذیل:

نعیمه پورمحمدی، «شورش متافیزیکی: پاسخی مدرن به مسئله شر»، سایت «دین آنلاین»:

<https://www.dinonline.com/6699/>

۳. هلموت ریتز، دریای جان، ترجمه عباس زریاب خویی و مهرآفاق بایوری، تهران، الهدی، ۱۳۸۸.

عاری از اعتراض است و از سنخ تسخر زدن و شوخی کردن صرف است. استشهادات به فقراتی از عطار، حافظ، فروغ و اخوان در جستار «الهیات سینوی، طنز الاهیاتی و معضل شر»، از جنس مواجهه طنزانه با جهان پیرامون اند؛ طنزی توأم با اعتراض. عطار که می‌گوید: «گفت ای دارنده دنیا و دین / چون نداری رزق کمترین آفرین!» و «گفت: تا کی کوس سلطانی زدن / زین نکوتر خشت نتوانی زدن؟»؛ حافظ که می‌سراید: «پیرما گفت خطا بر قلم صنع نرفت / آفرین بر نظر پاک خطاپوشش باد»؛ فروغ که بانگ برمی‌آورد: «سال‌ها ما آدمک‌ها بندگان تو / با هزاران نغمه‌ی ساز تو رقصیدیم / عاقبت هم ز آتش خشم تو می‌سوزیم / معنی عدل تو را هم خوب فهمیدیم»؛ اخوان که می‌گوید: «با تو دارد گفت و گو شوریده مستی / مستم و دانم که هستم من / ای همه هستی ز تو، آیا تو هم هستی؟» و حسین پناهی که اینگونه لب به سخن می‌گشاید: «دیوونه کیه؟ / عاقل کیه؟... کفر نمی‌گم، سوال دارم / یک تریلی محال دارم / تازه داره حالیم می‌شه چی کاره‌ام /... جواب زنده بودنم مرگ نبود؛ جون شما بود؟ / مردن من مردن یک برگ نبود؛ تو رو به خدا بود؟ اون همه افسانه و افسون و لش؟ / این دل پر خون و لش؟ /... آوردی حیرونم کنی که چی بشه؟ نه والله! / مات و پریشونم کنی که چی بشه؟ نه بالله!»؛ از طنز و تسخر زدن بهره برده اند که طنین اعتراضی نیز دارد.

علاوه بر این، می‌توان از طنز الاهیاتی ای سراغ گرفت که بر خلاف موارد فوق، متضمن اعتراض نیست و مشحون از شوخی و طنز صرف است. فی‌المثل، کسی که به الهیات پویشی<sup>۲</sup> باور دارد و بر خلاف الهیات راست کیشانه، علم و قدرت خداوند را مطلق نمی‌داند و از پی وایتهد، قایل به ضیق و سعه در این اوصاف خداوند است؛ وقتی درباره علم و قدرت امر متعالی سخن می‌گوید و با آن شوخی می‌کند؛ شوخی و طنزش، لزوماً صبغه اعتراضی ندارد و از لون دیگری است. افزون بر این، الیهیدانی که به الهیات ارتدوکس باور دارد و طنزانه می‌گوید: «خدا بزرگ است و بزرگتر هم می‌شود!»، طنزش صبغه اعتراضی ندارد و از مفهوم طنز به معنای فرویدی - یونگی - رواقی کلمه استفاده می‌کند.

پس، طنز الاهیاتی اعم از طنز توأم با اعتراض است و طنز عاری از اعتراض. مدلول این سخن این است که رابطه میان «طنز الاهیاتی» و «اعتراض الاهیاتی»، «عموم خصوص من وجه» است؛ که با یکدیگر فصل مشترک و فصل مفترقی دارند. هم «اعتراض الاهیاتی» از جمله مفاهیم برساخته اجتماعی است، هم «طنز الاهیاتی». لازمه این مدعا این است که میان مصادیق این مفاهیم، به تعبیر ویتگنشتاین، «شباهت خانوادگی»<sup>۳</sup> برقرار است، شباهتی از سنخ شباهت میان اعضای یک خانواده.<sup>۴</sup> در «اعتراض الاهیاتی»، مولفه اعتراض و گله و شکایت محوریت دارد، هر چند میان این اعتراضات و شکایات طیفی دیده می‌شود و شدت و حدت آنها با یکدیگر متفاوت است. آنچه از قرآن و انجیل و مصیبت‌نامه عطار نقل شد، از سنخ اعتراض الاهیاتی است. فقرات یاد شده از تذکره الاولیاء عطار، حافظ، فروغ، اخوان و پناهی از جنس

۱. محسن چاووشی، این شعر حسین پناهی را به زیبایی و با صدایی حزین و تاثیرگذار خوانده است. نگاه کنید به کلیپ زیر:

<https://www.youtube.com/watch?v=qJZr8GNARf0>

۲. process theology

۳. family resemblance

۴. برای آشنایی با روایت نگارنده از مفهوم «شباهت خانوادگی»، به عنوان نمونه، نگاه کنید به :

سروش دبلاغ، «معناها و بازیها»، در سکوت و معنا: جستارهایی در فلسفه ویتگنشتاین، تهران، صراط، ۱۳۹۳، چاپ سوم.

طنز الاهیاتی توأم با اعتراض است؛ طنزی که متضمن اعتراض به خداوند هم هست. افزون بر این، طنز از منظر باورمندان به الاهیات پویشی و دینداران متعارفی که نه اعتراض گونه بلکه از سر مطایبه به سر وقت خدا می روند، از سنخ طنز الاهیاتی غیر اعتراضی است، طنزی که گریبان خداوند را نمی گیرد و در پی محاجه کردن و اعتراض نیست. بنابراینچه به روایت نگارنده در جستارهای چهارگانه اخیر آمد؛ در ادبیات نواندیشی دینی معاصر، در بحث از مسئله شرّ، مفاهیم « الاهیات سینوی» و « طنز الاهیاتی»، کمتر به بحث گذاشته شده است. در این نوشتار، جهت ایضاح بیشتر «طنز الاهیاتی»، از طریق نسبت سنجی آن با «اعتراض الاهیاتی»، حدود و ثغور آن به بحث گذاشته شد. هر چند این مقولات، نامتعارف و غیر راست کیشانه اند، اما پرداختن بدانها، آثار و برکات نکویی دارد و چنانکه در می یابم، بر غنای دین اندیشی در میان ما می افزاید.